

# ادبیات داستانی معاصر

## ایران خوش چهره

کارشناس ارشد ادبیات فارسی، دبیر ادبیات دبیرستان‌های شهر تهران

مشخص شده است؛ هر چند که عنوان قصه به تمامی ادبیات داستانی نیز اطلاق می‌شود. (فرزاد، ۱۳۷۶: ۹۹)

ویژگی‌های کلی و بارز داستان عبارت‌اند از: ۱. به نثر است؛ ۲. در آن تخیل به کار رفته است؛ ۳. حادثه‌های را نقل می‌کند؛ ۴. ساختار آن بر رابطه علت و معلول استوار است؛ ۵. حجم آن مشخص است.

### انواع داستان

در بسیاری از منابع، داستان را با توجه به ابعاد گوناگونش طبقه‌بندی کرده‌اند که بر اساس یکی از آن‌ها داستان به ۱. داستان کوتاه، ۲. داستان بلند (رمان) و ۳. داستانک (داستان کوتاه) تقسیم می‌شود.

### داستان کوتاه

طی یک قرن و نیم که از عمر داستان کوتاه می‌گذرد، این نوع ادبی، در بیشتر کشورهای جهان مقام و مرتبه‌ی والایی به دست آورده است. داستان کوتاه در مقایسه با رمان از انعطاف‌پذیری خاصی برخوردار است که این مسئله هم در انتخاب موضوع و هم در انتخاب زمان و شخصیت‌ها مشهود است.

در دایرةالمعارف‌ها داستان کوتاه را به اختصار چنین تعریف کرده‌اند:

– داستانی است که کوتاه باشد.

– داستانی است که بتوان آن را در نیم ساعت خواند.

– روایتی است کوتاه‌تر از رمان کوتاه و بیشتر محدود به وضعیت، موقعیت‌ها، شخصیت‌ها و غالباً مرتبط به تأثیری واحد

«در فرهنگ اصطلاحات ادبی جهان تألیف جوزف شیپلی<sup>۱</sup>، «داستان» چنین تعریف شده است: داستان اصطلاح عامی است برای روایت یا شرح و روایت حوادث. در ادبیات داستانی عموماً داستان، در برگیرنده نمایش تلاش و کشمکش است میان دو نیروی متضاد و یک هدف.»

(به نقل از: میرصادقی، ۱۳۷۹: ۳۲)  
«یعقوب آژند» در تعریف ادبیات داستانی می‌گوید:

«ادبیات داستانی هنر و فن ابداع و بازنمایی زندگی بشری از طریق به کارگیری واژگان مکتوب برای آموزش یا دگرگونی آن و یا هر دوست.» (آژند، ۱۳۷۴، ش ۳۴: ۱۰)

### تعریف داستان

ناصر ایرانی در تعریف «داستان» می‌گوید: «اصطلاح داستان در محدوده هنر داستان‌نویسی یک معنی عام دارد و یک معنی خاص. در معنی خاص شامل رمان و داستان کوتاه می‌شود و در معنی عام به هر «اثر هنری منثور» گفته می‌شود. (ایرانی، ۱۳۶۴: ۲۸)

داستان اساس همه انواع ادبیات داستانی و مصداقی کلی و جامع‌تر برای «قصه»، «داستان کوتاه»، «رمانس: قصه خیالی منظوم یا منثور» و «رمان» است.

«در زبان فارسی کلمات قصه، داستان، حکایت و... همه مترادف و در یک معنی به کار رفته است. در گذشته هیچ کوششی برای جدا کردن این اصطلاحات از یکدیگر انجام نگرفته است. اکنون تحت تأثیر ادب غرب، حوزه هر کدام تا حدی

### چکیده

داستان از قدیمی‌ترین قالب‌های هنری است که پیشینه بسیار کهنی دارد و انسان‌ها آن را به صورت‌های گوناگون برای یکدیگر نقل و بازگو کرده‌اند. ادبیات داستانی معاصر که شامل انواع رمان، داستان کوتاه، قصه و رمانس است، جایگاه ویژه‌ای در عرصه فرهنگ و ادب کشورمان دارد. در این مقاله نگارنده کوشیده است تا علاوه بر معرفی ادبیات داستانی معاصر و نخستین نویسندگان ادبیات داستانی مدرن در دهه‌های ۴۰ و پس از آن، خلاصه‌ای از ادبیات کهن ایران و قصه‌پردازی در روزگار گذشته را نیز بیان کند. درباره چگونگی شکل‌گیری رمان در ادبیات معاصر کشورمان نیز به تفصیل سخن به میان آمده است.

**کلیدواژه‌ها:** ادبیات داستانی، داستان، مدرن، نویسندگان، قصه

### مقدمه

داستان که در قالب نثر ارائه می‌گردد راهی است برای بیان حوادث و ما را با مردم کشورهای مختلف و آداب و رسوم، خلیات، خصوصیات روحی و فرهنگی آن‌ها آشنا می‌سازد.

معروف‌ترین شکل داستان‌های ادبی در زمان ما، رمان است. داستان کوتاه به شکل امروزی آن در قرن نوزدهم ظهور کرده است و در ایران و کشورهای دیگر طرفداران بسیاری دارد. در اینجا برای نمونه چند تعریف از داستان ذکر می‌شود.



است.

«ادگار آلن پو» داستان کوتاه را چنین تعریف کرده است: «نویسنده باید بکوشد خواننده را تحت اثر واحدی که اثرات دیگر مادن آن باشد، قرار دهد. و چنین اثری را تنها داستانی می‌تواند داشته باشد که خواننده در یک نشست - که بیش از سه ساعت نباشد - تمام آن را بخواند.»

(به نقل از: میرصادقی، ۱۳۷۶: ۲۵۸)

در داستان کوتاه، از واقعه صحبت می‌شود؛ به این معنی که داستان کوتاه دارای یک واقعه مرکزی یا ضمنی است که وقایع دیگر برای تکمیل و مستدل جلوه دادن آن واقعه آورده می‌شوند. مثل اغلب داستان‌های کوتاه «گی دو موپاسان» و پیروان او چون «ل. هنری» و «سامرست موام».

رمان و داستان کوتاه از جهاتی با هم متفاوت‌اند. در تفاوت داستان کوتاه و رمان گفته‌اند:

«تفاوت عمده رمان و داستان کوتاه در قابلیت رمان برای بیان بیشتر درباره اشخاص، صحنه پردازی، وقایع و درون مایه نهفته است اما داستان کوتاهی که خوب پرداخته شده باشد، فشردن این عناصر برای رسیدن به یک تأثیر همانند می‌تواند به اندازه یک رمان مؤثر باشد.»  
(الیاسی بروجنی، ۱۳۷۱: ۲۱-۲۰)

### داستان بلند یا رمان کوتاه

رمان مهم‌ترین و معروف‌ترین شکل تبلور یافته ادبی زمان ماست «ویلیام هزلیت»<sup>۳</sup> (۱۸۷۸-۱۸۳۰) منتقد و مقاله‌نویس انگلیسی در قرن نوزدهم، رمان را چنین تعریف کرده است: «داستانی است که بر اساس تقلیدی نزدیک به واقعیت، از آدمی و عادات و حالات بشری نوشته شده باشد و به نحوی از انجا شالوده جامعه را در خود تصویر و منعکس کند.» (به نقل از: میرصادقی، ۱۳۷۶: ۴۰۵)

در اینجا سه نوع از انواع داستان بلند یا رمان کوتاه، که در فرهنگ‌ها یاد شده است؛ ذکر می‌گردد:

الف- داستان کوتاه بلند؛ و این در زبان فارسی نازیبا و مضحک است؛ زیرا کلمه‌های کوتاه و بلند مقابل یکدیگرند و

وجود آن‌ها عبارت را متناقض و بی‌معنا می‌کند. بنابراین، از آن با نام داستان بلند نام می‌بریم که از داستان کوتاه، بلندتر و از رمان، کوتاه‌تر است و از نظر کیفی با آن‌ها مطابقت ندارد.

ب- ناولت: بعضی فرهنگ‌ها آن را مشابه و برابر داستان بلند می‌دانند و خصوصیات آن را برایش قائل می‌شوند و بعضی نیز آن را متفاوت با داستان بلند می‌دانند.

۳. رمان کوتاه: اغلب فرهنگ‌ها آن را مترادف «ناولت» می‌دانند و در بعضی فرهنگ‌ها آن‌را به معنای داستان بلند می‌آورند. گاهی نیز مفهوم جداگانه‌ای برای آن قائل می‌شوند.

### در داستان کوتاه، از واقعه صحبت می‌شود؛ به این معنی که داستان کوتاه دارای یک واقعه مرکزی یا ضمنی است که وقایع دیگر برای تکمیل و مستدل جلوه دادن آن واقعه آورده می‌شوند

### داستانک

داستانک یا داستان کوتاه کوتاه، داستانی است به نثر که باید از داستان کوتاه جمع‌وجورتر و کوتاه‌تر باشد. از ۵۰۰ کلمه کمتر، و از ۱۵۰۰ کلمه بیشتر نباشد و در آن چپ‌نشین پیرنگ (نقشه، طرح یا الگوی حوادث داستان)، شخصیت پردازی و صحنه ماهرانه صورت گرفته باشد.

«نمونه زیبا موقف داستانک در میان داستان‌های نوین فارسی، «ماهی و جفتش» نوشته ابراهیم گلستان است. «مادلن» اثر صادق هدایت و «عدل» و «آخر شب» اثر صادق چوبک نیز داستانک محسوب می‌شود.» (میرصادقی و ذوالقدر، ۱۳۷۷: ۱۰۰)

### تاریخچه ادبیات داستانی در ایران

ادبیات کهن ایران با انواع صورت‌های داستانی افسانه، تمثیل، حکایت و روایت آمیخته است اما داستان‌نویسی به شکل امروزی ادامه روند منطقی و طبیعی این ادبیات نیست. داستان‌نویسی جدید (نوبن) ایران که حدود صدسال از عمر آن می‌گذرد، برگرفته از ادبیات کهن و تاریخ باستان کشور ماست. «ادبیات داستانی»<sup>۴</sup> بر آثار منشوری دلالت دارد که از ماهیت تخیلی برخوردار باشد، غالباً به قصه، داستان کوتاه، رمان و انواع وابسته به آن‌ها ادبیات داستانی می‌گویند.» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۱۴)

### قصه پردازی در ادبیات کهن ایران

از نمونه‌های داستانی ادبیات کهن ایران می‌توان به شاهنامه فردوسی، ویس و رامین، فخرالدین اسعدگرگانی، پنج گنج نظامی، گلستان و بوستان سعدی اشاره کرد. همچنین آثار دیگری مانند سیاست‌نامه (در قصه‌های دانش لشکررداری)، اسرارالتوحید (قصه احوال عارفان)، عقل سرخ و آواز پر جبرئیل (آمیخته‌ای از عرفان و اسطوره)، و تاریخ بیهقی (قصه‌ای تاریخی، جذاب و خواندنی) در ادبیات کهن سرزمین ما وجود دارند که با حکایت‌های تمثیلی و استعاری کلیله و دمنه، قصه‌های تمثیلی و تربیتی قابوس‌نامه، حکایات پراکنده جوامع الحکایات و لوامع الروایات، داستان‌های عامیانه‌ای همچون هزار و یک شب، سمک عیار، رموز حمزه، حسین کرد شبستری و امیر ارسلان نامدار کامل می‌شوند.

مهدی حجوانی در کتاب «قصه چیست؟» می‌گوید: «قصه یک قالب هنری است که از خیال و احساس نویسنده مایه می‌گیرد و قصدش بیشتر تأثیرگذاری بر عاطفه و احساس خواننده است تا بر اندیشه او. قصه جزئی‌نگر است و لحظه‌پردازی، صحنه‌پردازی و شخصیت‌پردازی دارد.»

با این ترجمه‌ها در حقیقت، زبان نیز به سادگی و خلوص گرایید و بیان، هرچه گرم‌تر و صمیمی‌تر شد و از پیرایه لفظی و هنرنمایی‌های شاعرانه، که به نام فصاحت و بلاغت به کار می‌رفت، به مقدار زیادی کاسته شد.»

(آرین پور، ۱۳۵۰، ج ۲: ۲۳۷)

رواج ترجمه رمان‌های غربی به اصلاحات اجتماعی و شکل‌گیری حرکت‌های

نوشته «جیمز موریه» نام برد که این ترجمه بر آثار دو نویسنده بزرگ بعد از آن‌ها؛ یعنی علی‌اکبر دهخدا و محمدعلی جمال‌زاده تأثیر بسزایی داشت.

## نخستین نویسندگان ادبیات داستانی معاصر

آثار م.ف. آخوندزاده (۱۲۵۷)، عبدالرحیم طالبوف تبریزی مشهور به طالبوف (۱۲۵۰)، زین‌العابدین مراغه‌ای (۱۳۲۸ ق ۱۲۵۵)، محمدباقر میرزا خسروی کرمانشاهی (۱۲۲۶ - ۱۲۹۸ ق)، شیخ موسی کبودرآهنگی (۱۲۹۸ ق)، میرزا حسن خان بدیع‌نصرت‌الوزرا (۱۲۹۹) و صنعتی‌زاده کرمانی، نخستین رمان‌های تاریخی و عاشقانه ادبیات معاصر ایران را تشکیل داده‌اند. در این روزگار، آثار دیگری نیز با زمینه اجتماعی و برای نمایش گوشه‌هایی از زندگی معاصر، با معایب و مفاسد آن، پدید آمدند؛ از جمله:

رمان «مجمع دیوانگان» صنعتی‌زاده که نخستین اتو پیا (مدینه فاضله) در زبان فارسی است. «تهران مخوف» اثر مشفق کاظمی، «شهرناز» اثر یحیی دولت‌آبادی و رمان‌های «روزگار سیاه» و «انتقام» از عباس خلیلی.

## نخستین داستان‌نویسان مدرن ایران (پیش از دهه ۴۰)

جمال‌زاده، آغازگر راه: داستان‌مدن در ایران با مجموعه قصه‌های کوتاه «یکی بود، یکی نبود» نوشته

جمال‌زاده شکل گرفته است. آنچه در غرب بیش از سیصد سال سابقه دارد، در ایران دارای پیشینه‌ای کمتر از صدسال است و با آثار جمال‌زاده شروع می‌شود. صادق هدایت در اواخر سال ۱۳۰۸ نخستین داستان‌های خود را به نام‌های «مادلن»، «زنده به گور»، «اسیر فرانسوی» و «حاجی مراد» در پاریس نوشت. پس از بازگشت به ایران، داستان «آتش پرست» و سپس

اجتماعی و سیاسی در ایران کمک بسزایی کرد و باعث شد که نثر تعلیمی و ساده‌منشانه عصر قاجار در برخورد با فرهنگ غرب، شکل جدلی و منطقی به خود بگیرد. زبان فارسی نیز به تدریج از زبان مجلسی‌رهایی یافت. از پیشروان این سبک می‌توان از زین‌العابدین مراغه‌ای در «سیاست نامه ابراهیم بیگ» و ترجمه میرزا حبیب اصفهانی از کتاب «حاجی بابای اصفهانی»

(حجوانی، ۱۳۷۱: ۳۲-۳۱)

## شکل‌گیری رمان در ادبیات معاصر

یحیی آرین‌پور در جلد دوم «از صبا تا نیما» می‌نویسد:

رمان و رمان‌نویسی به سبک اروپایی و به معنای امروزی آن تا شصت، هفتاد سال پیش که فرهنگ غرب در ایران رخنه پیدا کرده، در ادبیات ایران سابقه نداشت. ابتدا رمان‌ها به زبان‌های فرانسه و انگلیسی و روسی

و آلمانی یا عربی و ترکی به ایران می‌آمد، و کسانی که با این زبان‌ها آشنا بودند آن را می‌خواندند و استفاده می‌کردند. سپس رمان‌هایی از فرانسه و پس از آن انگلیسی و عربی و ترکی استانبولی به فارسی ترجمه شد... این ترجمه‌ها بسیار مفید و ثمربخش بود، زیرا ترجمه‌کنندگان در نقل متون خارجی به فارسی، قهر از همان اصول ساده‌نویسی زبان اصلی پیروی می‌کردند.





داستان‌های «گوزپشت»، «آبجی خانوم» و «مرد خورها» را در تهران نوشت و همه آن‌ها را در مجموعه‌ای به نام «زنده به گور» در سال ۱۳۰۹ منتشر کرد. وی «یوف کور» را در سال ۱۳۱۵ نوشت. بزرگ علوی، گرایش رمانتیک دارد و صاحب آثار معروفی چون «نامه‌ها»، «رقص مرگ»، «گیله مرد» و رمان «چشم‌هایش» است. از دیگر آثار او رمان‌های: «چمدان»، «نامه»، «ورق پاره‌های زندان»، «میرزا»، «۵۳ نفر»، «موریانه» و «هویت» را می‌توان نام برد. صادق چوبک صاحب آثاری چون «خیمه شب بازی»، رمان «تنگسیر» و «سنگ صبور» است. سه مجموعه از قصه‌های کوتاه او به نام‌های «انتری که لوطی‌اش مرده بود»، «روز اول قبر» و «چراغ آخر» نیز به چاپ رسیده‌است. به آذین، (محمود اعتمادزاده) پرکارترین نویسنده‌ای است که با هدف مفاخره به گذشته‌های دور به نگارش «دختر رعیت» (۱۳۳۱) دست زد. دیگر آثار وی «پراکنده» و «به سوی مردم» نام دارند. جلال‌آل احمد، نویسنده متعهد معاصر، دارای آثار مشهوری چون «مدیر مدرسه»، «نفرین زمین»، «سه تار»، «زن زیادی»، «پنج داستان»، «دید و بازدید» و «ن والقلم» است. کتابهای «غرب زدگی» و «در خدمت و خیانت روشنفکران» نیز از آثار او هستند. ابراهیم گلستان، نخستین مجموعه داستان‌اش «آذرماه آخر پاییز» را در سال ۱۳۲۸ به چاپ رساند. از دیگر آثار وی می‌توان به «شکار سایه»، «اسرار گنج دره جنی»، «جوی و دیوار» و «تشنه» اشاره کرد. بهرام صادقی با آثاری چون «سنگر» و «مقممه‌های خالی» در داستان نویسی مدرن به شهرت دست یافته‌است.

## داستان مدرن (پس از دهه ۴۰)

پس از سال‌های ۱۳۴۰، ادبیات داستانی ایران شکل تازه‌ای به خود می‌گیرد و تحولی در آن صورت می‌پذیرد که با آثار بزرگانی چون غلامحسین ساعدی در نمایش و تشریح فقر، هوشنگ گلشیری با آوردن تکنیک تازه‌ای در نوشتن، نادر ابراهیمی با حکایت‌های شبه کلاسیک،

جمال میرصادقی با ایجاد طیف جدیدی از قصه، محمود دولت‌آبادی، احمد محمود، اسماعیل فصیح، علی اشرف درویشیان، ناصر ایرانی، علی محمد افغانی، منصور یاقوتی و نسل جدیدی از نویسندگان، چون احمد مسعودی، محمود طیاری، مجید دانش، آراسته و... همچنین زنان شاخصی چون مهشید امیرشاهی، گللی ترقی، شهرنوش پارسی‌پور، غزاله علیزاده و چهره برتر این گروه «سیمین دانشور»، که با رمان سووشون (۱۳۴۸) شهرت و اعتبار خاصی به دست آورد، به اوج خود می‌رسد. دانشور چند مجموعه داستان کوتاه و رمان «در جزیره سرگردانی» را نیز در سال‌های بعد نوشت. احمد محمود با نوشتن رمان «همسایه‌ها» (۱۳۵۳) در میان داستان نویسان بعد از دهه چهل مشهور و ممتاز گردید. او داستان‌های «یک شهر»، «زمین سوخته»، «مدار صفردرجه» را نیز در سال‌های بعد نوشت. حرکت جدیدی را که با «بره گمشده‌ی راعی» (۱۳۵۶) هوشنگ گلشیری، «باید زندگی کرد» احمد مکانی (مصطفی رحیمی)، «سگ و زمستان بلند» (۱۳۵۴) شهرنوش پارسی‌پور، «مادرم بی بی جان» (۱۳۵۷) هرمز شهدادی، نمی‌توان نادیده گرفت. و جلد نخست اثر تحسین برانگیز محمود دولت‌آبادی، «کلیدر» (۱۳۵۷) را نیز به عنوان یک رمان روستایی در چشم‌انداز ادبیات داستانی را به شایستگی ببینیم. معروف‌ترین اثر دولت‌آبادی «کلیدر» در ده جلد منتشر شده است. او این زمینه را در داستان‌نویسی پیش از کلیدر در داستان‌های «گاواره بان»، «اوستر باباسبحان»، «لایه‌های بیابانی» و... نشان داده است. رمان دیگر وی «جای خالی سلوچ» (۱۳۵۶) و آخرین رمان در خور توجهش «روزگار سپری شده مردم سالخورده» است.

## داستان نویسی در دهه‌های بعد از (۶۰)

پس از دولت‌آبادی، از دیگر چهره‌های شاخص داستان‌نویسی ایران می‌توان به

شرح زیر نام برد:

رضا براهنی: رازهای سرزمین من (۱۳۶۶)، محسن مخملباف: باغ بلور (۱۳۶۵)، منیرو روانی‌پور: اهل غرق (۱۳۶۸)، دل فولاد (۱۳۶۹)، احمد آقایی: چراغانی در باد (۱۳۶۸)، شهرنوش پارسی‌پور: طوبا و معنای شب (۱۳۶۷)، اسماعیل فصیح: ثریا در اغما (۱۳۶۲) و زمستان ۶۲ (۱۳۶۶) و مجموعه قصه‌های نمادهای دشت شوش (۱۳۶۹) و عباس معروفی: سمفونی مردگان (۱۳۶۸). عباس معروفی دهه هفتاد را با رمان «سال بلوا» (۱۳۷۱) آغاز می‌کند. ابراهیم یونسی رمان «گورستان» را در سال (۱۳۷۲) عرضه می‌کند و اسماعیل فصیح به سه رمان جدید «فرار فروهر» (۱۳۷۲) «باده کهن» (۱۳۷۳) و «اسیر زمان» (۱۳۷۳) همچنان پرکار است. حسین فتحی از نویسندگان بنام در عرصه ادبیات کودک و نوجوان است. از جمله آثار وی «آتش در خرمن»، «عشق سال‌های جنگ»، «پسران جزیره» و «پری نخلستان» در زمینه جنگ و انقلاب در قالب داستان است. رمان «رژه بر خاک پوک»، شمس لنگرودی و مجموعه قصه «یوز پلنگانی که با من دویده‌اند» نوشته بیژن نجدی نیز آثاری ماندگارند. آخرین رمان مطرح سال‌های دهه هفتاد، رمان «آزاده خانم» نوشته رضا براهنی است. پس از دهه هفتاد از افرادی به عنوان داستان‌نویس یاد می‌شود که عبارت‌اند از: امیرحسین چهل‌تن، جواد مجابی، محمد محمدعلی، مسعود خیام، اصغر الهی، منصور کوشان، رضا جولانی، شهریار مندنی‌پور، منیرو روانی‌پور، بنفشه حجازی، زویا پیرزاد، حسین سنایور، حسن اصغری، ابوتراب خسروی، قائم کشکولی و... آثاری چون «نخل‌های بی سر» از قاسمعلی فراست، «عروج» نوشته ناصر ایرانی، «سرور مردان آفتاب» نوشته غلامرضا عیدان، و «اسماعیل» اثر محمود گلابدره‌ای اگر چه ممکن است چندان قوی و منسجم نباشند، راهی نو را در ادبیات داستانی معاصر و ادبیات جنگ گشوده‌اند.

ادامه مطلب در صفحه ۹۶